



ناردرشور

مجدد رخماني صانع

شهرآرا: شعبده بازی دلان در بازار میوه!

تردستی

شنگول و سرحالم و خوشحالم من
کارم چیه؟ معلومه! دلالم من

شعبده بازم ولی توی میدون
کجام الان؟ میدون بار نوغون

درسته خرگوش تو کلاه من نیست
اما کارم بیسته! نه! بیشتر از بیست!

واسطه‌ام بین زمین و بازار
بین کشاورز و شما خریدار

با اینکه نه حجره دارم نه غرفه
فقط با یک اشاره، با یه سرفه

نرخ‌ها رو بالا می‌برم تو میدون
نرخ خیار و گوجه و بادنجون

شعبده بازم، می‌کنم یه هجی
اجی و مچی، چی چی؟ لا ترجی

هر چی که میوه لهیده هستش
میوه سفت و نارسیده هستش

کلشو قالب می‌کنم سه سوته
اگر که سیبیه یا گریپ فروته

می‌پرسی از من که آخه چطوری؟
چطوری نرخ‌ها بالا می‌ره فوری؟

مگر که نرخ‌هام می‌زنن جوونه؟
شبیبه طالبی و هندوونه؟

بعله! چرا نشه عزیز جونم؟
رازشو اما من فقط می‌دونم

یک نمونه می‌گم تو هم بدونی
که بی‌خبر نمیری تو جوونی!

می‌کنم احتکار پیاز و چند روز
خوب که گرون شد با صدایی پرسوز

داد می‌زنم که خونه‌دار بیا زود
زنیلو بردار و بیار، بیا زود

زود بیا اینجا که حراج کردم
گرونی رو بنده علاج کردم

خلاصه رند و حقه‌باز هستم
درست می‌گن شعبده‌باز هستم

شعبده بازم ولی توی میدون
بعله! زدم رو دست هر چی شیطان!



شوخی

الهه آراتیان

الهی!

ما را با گلزار این دنیا و حاشیه‌هایش کاری نیست. شاخه
گلی از گلزار لطف ما را بس.

پنج‌مهر

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا
ساحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
سر دبیر: سید مجاد طلوع هاشمی
دبیر ضمانت: ارزنگ حاتم
دبیر پلخمون: مجتبی نخعی‌راد

تلفن: ۳۷۲۸۸۸۸۱ پیامک: ۳۰۰۷۲۸۱

دریافت نسخه الکترونیک از: shahraraneews.ir

کمیک

ایده: تحریریه پلخمون

کارتون: شهرام شیرزادی



جادوگران عصر ما

در حاشیه‌های شعبده بازی دلان در بازار میوه که با چشم‌بندی و تردستی، قیمت‌نهایی
میوه را فراتر از حد انتظار بالا می‌برند، به سراغ سایر جادو و جمل‌هایی می‌رویم که در
زندگی درگیرشان هستیم اما از آن‌ها غافلیم!

بهترین شعبده‌بازهای معاصر بی تردید بانک‌ها هستند.

من هر جور حساب می‌کنم برای ۵۰ تومن وام
باید ۷۰ تومن پس بدم نه ۱۰۰ تومن! این ۱۸
درصد رو چطوری حساب کردن؟!

این دیگه جزو رموز کار ماست! یک چوب
جادوگری داریم که اون رو به ماشین حساب
بزنن، جادویی می‌شه و ۱۸ درصدش همون
۱۰۰ تومن می‌شه!

خبرنگاران رسانه‌های هم‌تردستی‌هایی می‌کنند که برای کریس آنجل قفل است.

جابه‌جایی مرزهای زبانی شناختی به موارد سطحی در
ظاهر افراد هم جزو جادوهای سوداگران سلامت است.

بله! یک کم بگذره، بهش عادت
می‌کنی. آه نگریدی هم ممکنه
بمیری، ولی عوضش شبیه همون
سلبر تیتیه شدی.

اینکه نمی‌تونم نفس
بکشم طبیعییه؟

بله، باز حمات مسئولان،
مرغ به قیمت مصوب برای
عموم مردم به وفور هست.

شما مرغ به قیمت
مصوب دارین دیگه؟

خودروسازان به عنوان پدر شعبده‌بازی در ایران شناخته می‌شوند.

با ۳۰۰ میلیون تومن چه
خودرویی می‌تونم بخرم؟

اجی مچی لا ترجی!
این شما و این بهترین
خودرو روز دنیا! پول
رویده، یک سال بعد
بیا ببینیم چی کار
می‌کنیم!

از حق نگذریم، هر سرپرست خانواری در این شرایط اقتصادی
جادوگری می‌کند، اما جادوگر واقعی کسی است که...

جسارتا قربان
موجودی نداره.

حالا همین میکه حقوق
انگار چقدر بوده؟! اون که
همون یه ربع اول تموم شد

چطور ممکنه؟ همین نیم
ساعت پیش حقوقمون رو
ریختن!

در نگهداری از آثار و میراث تاریخی هم بعضا
چشم‌بندی‌های جالبی به وقوع می‌پیوندد.

کاغذ سه‌آباد

داداش، فرش هارو
چرا نمی‌بینم؟!

ای بابا! مگه نمی‌دونن
خاصیت فرش‌های
گرون قیمت
تاریخی اینه که
وقتی می‌شوری از
تمیزی دیگه نامرئی
می‌شه؟!؟